



درس خارج فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: نکاح

تاریخ: ۲۲ آبان ۱۳۹۷

موضوع جزئی: مسأله ۳-۴-۵-۶-۷-۸

مصادف با: ۵ ربیع الاول ۱۴۴۰

سال اول

جلسه: ۲۱

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

عرض شد کسی که به عنوان شریک زندگی می‌خواهد قرار داده شود، سزاوار است که صفاتی پسندیده در او باشد و صفاتی ناپسند در او نباشد. به برخی از این صفات و اهم آنها اشاره شد.

امام (ره) در ادامه، از مسأله ۳ تا مسأله ۱۲ به برخی از مستحبات و مکروهات مربوط به ازدواج با برخی از زنان و مردان و نیز آداب عقد و همچنین آداب خلوت مع النساء اشاره می‌کنند. چون مستحبات و مکروهات نوعاً نیاز به دلیل محکم و قوی ندارد و بررسی‌های آنچنانی لازم ندارد، باید مسائل را فقط در حد توضیح و ترجمه بیان کرد و بحث‌های استدلالی عمدتاً از مسأله ۱۱ به بعد شروع می‌شود.

مسأله ۳: «یکره تزویج الزانیة و المتولدة من الزنا و أن یتزوج الشخص قابلته أو ابنتها».

کراهت دارد که با زانیه ازدواج کند؛ ازدواج با زن زناکار، حرام نیست اما مکروه است. همچنین با فرزندی که از راه زنا متولد شده، مکروه است که ازدواج کند. مورد سوم، ازدواج شخص با قابله خودش است؛ یعنی آن زنی که او را به دنیا آورده، با او ازدواج کند. چهارمین مورد، ازدواج با دختر قابله خودش است، که این هم مکروه است. این مسائل در روایات بیان شده و لازم نیست که یک به یک این روایات را بخوانیم.

مسأله ۴: «لا ینبغی للمرأة أن تختار زوجاً سیئاً الخلق و المخنث و الفاسق و شارب الخمر».

سزاوار نیست زن، زوجی را اختیار کند که بد اخلاق باشد؛ و نیز مخنث باشد. این هر چند ممنوع نیست اما بهتر این است که این چنین نباشد. فاسق و شارب الخمر هم نباشد. اینها صفاتی است که زن باید نسبت به مرد در نظر بگیرد.

مسأله ۵: «یستحب الاشهاد فی العقد...».

عرض شد تا مسأله چهار مربوط به امر اول از امور چهارگانه است. گفتیم امام (ره) در اینجا ابتدا فرمودند قبل از مقاصد اصلی این کتاب، مناسب است درباره چهار امر مطالبی را مطرح کنیم. امر اول درباره من ینبغی الزواج معه و من لاینبغی است. چهار مسأله اول، پیرامون این صفات بود؛ صفاتی که شایسته است مرد و زن داشته باشد و صفاتی است که بهتر است مرد و زن نداشته باشند.

از مسأله پنج، وارد امر دوم می‌شوند؛ امر دوم درباره بعضی آداب و مستحبات عقد است. لذا می‌فرماید: «یستحب الاشهاد فی العقد...». بعضی از مستحبات مربوط به عقد را ذکر می‌کنند. اولین مورد، شاهد گرفتن است؛ این هر چند لازم نیست، برخلاف طلاق که شاهد لازم است ولی مستحب است. «و الإعلان به...»، اعلان به عقد مستحب است؛ یعنی به دیگران خبر

بدهند و اعلان کنند. «و الخطبة أمامه»، مستحب است قبل از عقد، خطبه خوانده شود. «أكملها ما اشتملت على التحميد و الصلاة على النبي (ص) و الأئمة المعصومين (ع) و الشهادتين و الوصية بالتقوى و الدعاء للزوجين»، کامل ترین خطبه‌ها، خطبه‌ای است که مشتمل بر این چند امر باشد: ۱. حمد و ثنای خداوند تبارک و تعالی ۲. صلوات و درود بر نبی مکرم اسلام و ائمه طاهریین (ع) ۳. شهادتین؛ شهادت به وحدانیت خداوند و نبوت و رسالت پیامبر ۴. سفارش به تقوا ۵. دعا برای زوجین.

کامل ترین و بهترین خطبه، آن خطبه‌ای است که مشتمل بر این پنج ویژگی باشد. نوعاً تحمید و صلاة بر پیامبر و ائمه (ع) هست اما شهادتین یا سفارش به تقوا و دعا برای زوجین، بیشتر باید مورد اهتمام باشد. این حدّ اعلی است؛ یک حداقلی را هم برای خطبه ذکر می‌کنند: «و یجزی الحمد لله و الصلاة على محمد و آله»، فقط بگوید «الحمد لله رب العالمین و الصلاة على سید المرسلین». «بل یجزی التحمید فقط»، یعنی حتی اگر صلوات بر پیامبر هم نباشد، همین که حمد و ثنای خدا را کند، این مجزی است؛ یعنی به استحباب عمل شده است. چون اصل خطبه مستحب است؛ همین قدر که بگوید الحمد لله رب العالمین یا الحمد لله.

از جمله اموری که مستحب است، «و إيقاعه لیلاً»، مستحب است عقد شب واقع شود. «و یکره إيقاعه و القمر فی برج العقرب»، اینکه قمر در برج عقرب باشد، خواندن عقد اشکالی ندارد ولی مکروه است؛ آن هم به خاطر تأثیراتی که بعضی از اوقات و موقعیت‌ها در امور دارد. این تأثیرات وضعی قابل انکار نیست. «و إيقاعه فی محاق الشهر»، همچنین عقد در وقتی که ماه در محاق است، (یعنی اواخر ماه قمری) مکروه است. «و فی أحد الأيام المنحوسة فی کل شهر المشتهرة فی الألسن بکوامل الشهر»، در یکی از ایام منحوسه در هر ماهی که در بین مردم به کوامل ماه معروف هستند و هفت مورد هستند: «الثالث و الخامس و الثالث عشر و السادس عشر و الحادی و العشرون و الرابع و العشرون و الخامس و العشرون»، کراهت دارد عقد در این ایام از ماه واقع شود.

پس در مسأله پنج چند مورد از مستحبات و مکروهات مربوط به عقد را بیان کردند.

مسأله شش مربوط به زفاف و مقدمات خلوت. یعنی همان امر سوم است که امام فرمودند؛ ایشان فرمودند: مناسب است بعضی از امور را در ضمن مسائلی بیان کنیم؛ یکی صفات زوج و زوجه بود؛ دوم، آداب عقد؛ سوم، آداب الخلوّة. از مسأله شش به بعد، زمینه‌چینی برای ورود به آداب الخلوّة است. امر چهارم لواحق است که بعداً خواهد آمد. به طور کلی از مسأله شش تا مسأله ۲۹ حول این دو امر است: آداب الخلوّة و بعضی از لواحق مربوط به اموری که بحث شد. بعد از این ۲۹ مسأله، وارد مقاصد اصلی کتاب می‌شوند.

مسأله ۶: «یستحب أن یكون الزفاف لیلاً و الولیمة فی لیلة أو نهاره فإنها من سنن المرسلین...». مستحب است که زفاف در شب واقع شود، و ولیمه‌ای که برای ازدواج داده می‌شود، در شب زفاف یا روز زفاف باشد و نه خیلی بعد یا قبل از آن. ولیمه برای زفاف، از سنت‌های انبیا است. «و عن النبی (ص): "لا ولیمة إلا فی خمس فی عرس أو خرس أو عذار أو وکار أو رکاز"». ^۱ بعد ایشان توضیح می‌دهد که منظور از این پنج چیزی که در آن ولیمه مستحب است، چیست. «لا ولیمة

۱. تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۴۰۹؛ ح ۱۶۳۴؛ من لایحضر الفقیه، ج ۳، ص ۲۵۴؛ ح ۱۲۰۴؛ وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۹۵، باب ۴۰ از ابواب مقدمات النکاح، ح ۵.

إلا في خمس ... یعنی للتزويج»، در عروسی و ازدواج، ولیمه جا دارد. اینکه می‌فرماید «لا ولیمة إلا في خمس» یعنی در غیر از این موارد به عنوان یک امر مستحب مطرح نیست [طبق این روایت]. «أو ولادة الولد»، برای تولد فرزند. «أو الختان»، برای ختنه. «أو شراء الدار»، خرید خانه. «أو القدوم من مكة»، بازگشت از سفر حج در اینها ولیمه مستحب است. «و انما تستحب يوما أو يومين لا أزيد»، برای یک یا دو روز ولیمه داده شود و نه بیشتر. چرا یک یا دو روز؟ «للنبوی: "الوليمة في الأول حق، و يومان مكرمة، و ثلاثة أيام رياء و سمعة"»، البته عین آنچه در متن تحریر آمده، در جوامع روایی نیامده اما نظیر این و با الفاظ مشابه و قریب به آن آمده است.^۱

سؤال:

استاد: مهمانی و مهمان آمدن و تکریم مهمان، یک عنوان دیگری است. اطعام فقیر مستحب است لکن عنوان دیگری دارد. یا تکریم مهمان؛ اینکه کسی از مهمان پذیرایی کند و اطعام کند؛ این خودش یک عنوان دیگری است. عنوان ولیمه به خصوص در مورد این پنج مورد است.

«و ینبغی أن یدعی لها المؤمنون»، سزاوار است که برای این ولیمه، مؤمنان را دعوت کند. «و یرتفع لهم الإجابة و الأكل»، برای مؤمنین نیز مستحب است که به این دعوت پاسخ مثبت دهند و حضور پیدا کنند و از آن غذا بخورند. یعنی خود اکل ولیمه ازدواج و ولیمه ختنه و... مستحب است. «و ان كان المدعو صائما نفلا»، حتی برای کسی که روزه مستحبی گرفته، خوردن این غذا مستحب است. «و ینبغی أن یعم صاحب الدعوة الأغنیاء و الفقراء»، سزاوار است که هم اغنیاء و هم فقرا را دعوت کند و دعوت او عام باشد. «و أن لا یخصها بالأغنیاء»، آن را اختصاص به اغنیاء ندهد. چرا؟ «فعن النبی (ص): "شر الولاثم أن یدعی لها الأغنیاء و یرتفع الفقراء"». این روایت هم در جوامع روایی ما نیست، اما در جوامع روایی اهل سنت از جمله سنن بیهقی، آمده است.^۲

مسألة ۷: «یرتفع لمن أراد الدخول بالمرأة لیللة الزفاف أو یومه أن یصلی رکعتین ثم یدعو بعدهما بالمأثور»، مستحب است برای کسی که قصد زفاف دارد، در شب یا روز زفاف دو رکعت نماز بخواند و بعد از این دو رکعت، به آنچه که در روایات وارد شده دعا کند. در کتب ادعیه - که به نقل از جوامع روایی است - دعاهایی که قبل از زفاف و بعد از این نماز وارد شده، آمده است. «و أن یکونا علی طهر»، مستحب است که هر دو با حالت طهارت باشند. «و أن یضع یدیه علی ناصیتها مستقبل القبلة و یقول»، مستحب است که مرد دستش را بر پیشانی زن در حالی که رو به قبله است بگذارد و این دعا را بخواند: «اللهم علی کتابک تزوجتها، و فی أمانتک أخذتها»، خدایا، من براساس کتاب تو با این ازدواج کردم و در امانت تو، او را اخذ کردم. «و بکلماتک استحللت فرجها»، من با کلمات تو و آنچه که تو گفتی، با قانون تو او را برای خودم حلال کردم. «فان قضیت فی رحمها شیئا فاجعله مسلما سویا»، اگر قضا و حکم و اراده تو چنین مقدر شده که در رحم این زن، فرزندی متکون شود، پس او را مسلمان و سالم قرار بده؛ یعنی همان ابتدا از خدا تقاضای سلامت جسمی و سلامت اعتقادی می‌کند. «و لا تجعله شرک شیطان». او را نصیب شیطان قرار نده.

۱. کافی، ج ۵، ص ۳۶۸، ح ۴؛ وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۹۵، باب ۴۰ از ابواب مقدمات النکاح، ح ۴: «الوليمة أول يوم حق و الثاني معروف و ما زاد رياء و سمعة».

۲. سنن بیهقی، ج ۷، ص ۲۶۲؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۶۱۶، ح ۱۹۱۳.

اینها اموری است که شاید کثیراً به آن توجه نمی‌شود. حتی ممکن است خدای نکرده به برخی از این مسائل با استهزاء و تمسخر - مخصوصاً در این عصر و فضای جدید - برخورد کنند. اما تردیدی نیست که حتی از نظر علم پزشکی همان طور که خصوصیات جسمی و آمادگی‌های جسمی در هنگام انعقاد نطفه تأثیر دارد؛ براساس آخرین یافته‌های علم پزشکی که مثلاً انواع و اقسام ویتامین‌ها برای زن قبل از انعقاد نطفه تجویز می‌کنند، برای اینکه جسم سالم‌تر و قوی‌تری داشته باشد. حالات و روحيات انسان، هم به نحو کلی و خصلت‌هایی که ملکه انسان هستند و هم آن حالات نزدیک به انعقاد نطفه، مثل روز قبل، یک هفته قبل و... اینها خیلی اثر دارد. مثلاً نشاط روحی، افسردگی یا سرزندگی و نشاط، اینها اثر دارد با این حال مگر می‌شود حالات معنوی اثر نداشته باشد؟ مگر می‌شود دعا اثر نداشته باشد، مگر می‌شود زمانی که نطفه منعقد می‌شود، این انعقاد نطفه در واقع هم یک جهت جسمی دارد و هم یک عقبه روحی و معنوی می‌تواند پشت آن قرار گیرد. حالت‌های انسان قبل از زفاف و انعقاد نطفه، حین و بعد از آن، تأثیرات عجیبی دارد. نوعاً به این امور کمتر توجه می‌شود و نتایج آن دامن‌گیر خود انسان است.

علی‌ای حال این برخی از مستحبات است که رعایت آنها قبل از زفاف، حتماً دارای آثار مهمی است.

مسأله ۸: «للخلوة بالمرأة مطلقاً و لو فی غیر الزفاف آداب، و هی بین مستحب و مکروه». در مسأله هشتم، به طور کلی درباره آداب خلوت با زن، ولو در غیر زفاف، مستحب و مکروهاتی را ذکر می‌کند. در مسأله شش و هفت، به خصوص درباره آداب خلوت فی الزفاف و مقدمتاً قبل از زفاف، نکاتی را فرمودند. اما در مسأله هشتم که طولانی هم هست، به طور کلی درباره آداب خلوت حتی در غیر زفاف، مطالبی را بیان می‌کنند.

«أما المستحبة: فمنها أن يسمي عند الجماع، فإنه وقاية عن شرک الشيطان»، اولین مستحب آن است که تسمیه کند؛ بسم الله الرحمن الرحيم بگوید و با نام خدا آغاز کند. این خودش از اینکه شیطان در این عمل شریک شود، جلوگیری می‌کند و نصیب شیطان از این عمل را می‌گیرد. چون طبع این عمل، عملی است که زمینه را فراهم می‌کند که ذهن انسان به جاهای مختلف سیر کند. زمینه نفوذ شیطان در این هنگام، خیلی قوی است. لذا می‌فرماید با بسم الله گفتن، یک سپری در برابر شیطان ایجاد می‌شود و جلوی نفوذ شیطان را می‌گیرد. البته نه اینکه صد در صد جلوی شیطان را بگیرد، اما بالاخره یک گامی است برای اینکه سدّی در برابر نفوذ شیطان ایجاد شود. «فعن الصادق (ع): "انه إذا أتى أحدكم أهله فليذكر الله، فان لم يفعل و كان منه ولد كان شرک شیطان"». ^۱ امام صادق (ع) می‌فرماید: اگر کسی قصد اتیان به اهل و واقعه و مجامعه با اهلش را دارد، پس ذکر و نام خدا را بر زبان جاری کند؛ اگر این کار را نکرد و از این واقعه ولدی متکون شد، نصیب شیطان می‌شود. «و فی معناه أخبار کثیرة»، با این مضمون اخبار زیادی وارد شده است.^۲

«و منها: أن يسأل الله تعالى أن يرزقه ولداً تقياً مبارکاً زکياً ذکراً سوياً». مستحب است از خداوند تبارک و تعالی درخواست کند که خداوند فرزندی به او بدهد که تقی و اهل تقوا باشد، مبارک باشد، یعنی منشأ برکت باشد؛ زکی و پاکیزه باشد؛ پسر و سالم باشد.

۱. من لایحضر الفقیه، ج ۳، ص ۲۵۶، ح ۱۲۱۴؛ وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۳۷، باب ۶۸ از ابواب مقدمات النکاح، ح ۶.

۲. رک: وسائل الشیعه، ج ۲۰، باب ۶۸، ص ۱۱۳ و ۱۳۵، و باب ۵۳، ص ۶۸.

سؤال: چرا اشاره به پسر شده است؟

استاد: این مطلق نیست؛ این درخواست به معنای این نیست که در آن جهت یک اشکال یا نقصی است. این در واقع شاید از این باب است که مثلاً باعث بقاء نسل است، و لذا یک اهمیتی دارد. نه اینکه همواره در همه مواقع مستحب باشد. در این رابطه یک نکته‌ای هست که فردا توضیح می‌دهم.

«الحمد لله رب العالمين»